

چون : وقتی که (حرف ربط) / رایت : پرچم / آن جهانگیر :
مجنون / چون : مثل و مانند (حرف اضافه)



قلمرو ادبی

تشبیه : رایت عشق / کنایه : جهانگیر شدن کنایه از «
مشهور شدن» / مه لیلی استعاره از صورت / اغراق
ایهام تناسب : لیلی الف (فانم لیلی ب) (لیل) شب
که با « مه » و « آسمان » دارد که مورد نظر شاعر نیست.

قلمرو فکری

وقتی آوازه عشق مجنون چون زیبایی لیلی در جهان پیچید

۱ چون رایت عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آمانگیر





فنیده : صدا و آوازی که در میان دو کوه و گنبد و مانند
آن پیچد ، مشهور ، معروف در نزد همه کس / فنیده
نام تر گشتن : مشهورتر شدن ، پرآوازه تر گردیدن.

هر روز فنیده نام تر گشت در شبگی تمام تر گشت

هر روز ، آوازه عشق مبنون ، بیشتر می شد و او عاشق
تر می شد





برداشته دل ز کار او بخت / درماند پدر به کار او سخت

بفت : اقبال / درماندن : ناتوان ، عاجز و بی تدبیر
 شدن / سفت : به شدت (تقید)

دل برداشتن کنایه از « نا امید شدن » / درماندن
 کنایه از « ناتوان شدن » / بناس : بفت ، سفت /
 تشفیص : بفت از کاری دل بردارد

بفت و اقبال از او (مجنون) روی برگرداند ، پدرش
 در حل مشکل او به شدت ناتوان و درمانده شد



فویشان: اقوام، نزدیکان. / چاره ساز: چاره سازنده، حل کننده مشکل. / همه: بدل



خویشان هر در نیاز با او / هر یک شده چاره ساز با او

هر یک از نزدیکان و فویشان وندان برای برطرف کردن نیاز او چاره ای می اندیشیدند





۵. بچارگی ورا چو دیدند در چاره‌گری زبان کشیدند



ی درسی

آموزشی عصر

www.my-da

به اتفاق یک سر: همگی. / این در: این مشکل



گفتند به اتفاق یک سر کز کعبه گشاده گردد این در

« این در » استعاره از «مشکل و عاشق شدن مبنون» /
 کعبه: مجاز از زیارت کعبه / گشاده گردد این در: کنایه از
 حل مشکل

همگی پیشنهاد دادند که باید به زیارت کعبه بروی (به
 لطف خدا می تواند این مشکل پسر تو را حل کند



جمله : همه / جهان : موجودات جهان / ممراب : ممل
عبادت



جهان مجاز از « همه موجودات جهان » / زمین و آسمان
مجاز از « همه موجودات »

حاجت گز جلا جسان اوت ممراب زمین و آمان اوت

قلمرو فکری: خانه کعبه (خداوند) بر آورنده نیاز تمامی
موجودات جهان است



موسم : زمان / برفاست : آماره شد / مَمَل : مهر ،
کباوه



مَمَل آراست : کنایه از « آماره شدن »

چون موسم حج رسید، برخاست
اشتر طلبید و مَمَل آراست

وقتی زمان حج فرا رسید پدر مبنون آماره ی سفر به
سوی خانهٔ خدا شد



جهد : تلاش / مهد: کجاوه ، مَحْمِل



تشبیه: فرزند مثل ماه عزیز بود و در مهد نشاند - وجه
 شبه: زیبایی / جناس: مهد، جهد / اغراق (صد
 نشانه کثرت است)

فرزند عزیز را به صد جهد بخاند چو ماه در یکی مهد

فرزند گرامی خود، مبنون را با تلاش بسیار در کجاوه
 نشاند





۱۰ آمد سوی کعبه، سینه پر جوش چون کعبه خنساد حلقه در گوش

سینه مجاز از دل / سینه پر جوش کنایه از « ناراحتی فراوان. » /
 حلقه در گوش کنایه از « غلامی و بندگی کسی را کردن. » مطیع
 بودن / تشبیه: مبنون از نظر حلقه به گوش بودن به کعبه تشبیه
 شده / ایهام : حلقه : الف) حلقه در کعبه ب) حلقه به گوش
 غلامان.

قلمرو فکری : پدر مبنون با دلی دردمند به سوی کعبه آمد و پو
 غلامی به فانه کعبه متوسل شد. (در کعبه، حلقه ای دارد و شاعر در
 دنیای خیال خود، کعبه را مانند غلامی می داند که حلقه بر گوش
 دارد به نشانه بندگی و تسلیم بی چون و چوادر برابر اراده
 پروردگار خود.





جای بازی: جایی کوچک و بی ارزش. / چاره سازی: حل کردن مشکل.

بازی مجاز از سرگرمی

گفت: «ای پسر، این نه جای بازی است بشارت که جای چاره سازی است»

گفت ای فرزندان این جا محل تفریح نیست ؛ تلاش کن تا چاره ای برای درد خود بیابی



گزاف کاری: کاری بیهوده (عشق به لیلی) / منادا: رب
 ، یا: حرف ندا / متمم: «م» به من توفیق
 بده.



گو، یا رب از این گزاف کاری توفیق دهم به دستگیری

قلمرو فکری: فرزندانم ، بگو خدایا از این عشق مرا نجات
 بده و به من توفیق دستگیری نصیب فرما



دریاب : به دادم برس / مبتلا: گرفتار، اسیر / مبتلای
عشقم : « م » فعل اسنادی « هستم » بلای عشقم: « م
«مفعول ، مرا آزاد کن



دریاب که بجای عشقم آزاد کن از بلای عشقم.

بگو فدایا، به خریدم برس و نجاتم بده که گرفتار عشق
شده ام، و مرا از این بلا رها کن



چو : وقتی / حدیث : سخن



تضاد: گریست / فندید / مراعات نظیر: حدیث ، بشنید ،
بگریست و فندید

مخون چو حدیث عشق بشنید اول بگریست، پس بجنسید

مجنون وقتی سخن عشق را شنید ابتدا گریه کرد و سپس
فندید



پو: مثل ، مانند / مار حلقه : مار حلقه زده برجست : پرید



تشبیه : مینون مثل مار حلقه زده از جا پرید / زلف کعبه :
 اضافه استعاری / مجاز : « دست » مجاز از « پنجه » / حلقه
 زلف : استعاره از حلقه در کعبه / دست در حلقه زدن :
 کنایه از متوسل شدن

مخون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست، پس بخنجد

مینون مانند مار حلقه زده ای از جای خود پرید و حلقه
 در کعبه را ماکم به دست گرفت



پو: مثل ، مانند / مار حلقه : مار حلقه زده بر جست : پرید



۱۵ از جای پو مار حلقه برست در حلقه زلف کعبه زده دست

تشبیه : مینون مثل مار حلقه زده از جا پرید / زلف کعبه :
 اضافه استعاری / مجاز : « دست » مجاز از « پنجه » / حلقه
 زلف : استعاره از حلقه در کعبه / دست در حلقه زدن :
 کنایه از متوسل شد

مینون مانند مار حلقه زده ای از جای خود پرید و حلقه در
 کعبه را مکم به دست گرفت



در بر : در آغوش / کامروز : که امروز



می گفت، گرفته حلقه در بر / کامروز نمم چو حلقه بر در

تشبیه : من چون حلقه بر در هستم (وجه شبه: آویزان بودن متوسل شدن) / جناس همسان : «بر» اول به معنی آغوش و «بر» دوم در معنی حرف اضافه / حلقه در بر گرفتن : کنایه از متوسل شدن / جناس ناهمسان: بر - در

در حالی که حلقه در کعبه را در آغوش گرفته بود می گفت : خدایا من امروز نیازمند در گاه تو هستم. (امروز من مانند حلقه ای که به در آویزان باشد به تو متوسل شده ام



طریق : راه و رسم ، روش / گویند: می گویند (مضارع
افباری) / مرجع ضمیر «این»: جدایی کردن از عشق



مراعات نظیر : عشق ، جدایی و آشنایی

گویند ز عشق کن جدایی این نیست طریق آشنایی

به من می گویند از عشق دوری گزین ، فدایا ، این راه و
رسم عاشقی نیست / مفهوم: پایداری در عشق





پرورده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنو شتم



ی درسی

آموزشی عصر

www.my-da



یا رب، به خدایی خدایت / وانگه به کمال پادشایت

یارب : حرف ندا و منادا (شبه جمله) / مضاف الیه : «
ت » ، فدایی تو / موقوف المعانی با بیت بعد / بیت ۳
جمله / فعل جمله دوم : قسم می دهم

فدایا تو را سوگند می دهم به کمال و عظمت تو





۲۰ کز عشق به فانی رسانم کاو ماند اگر چه من نامم



ی درس

آموزشی عصر

www.my-da

شراب عشق: تشبیه (عشق : مشبه ، شراب : مشبه به) /
جناس: مست ، هست /



گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق تر ازین کنم که حتم

فدایا اگر چه وجودم لبریز از عشق است، مرا از این هم
عاشق تر کن. (مفهوم : پایداری در عشق





از عمر من آنچه هست بر جای بنام و به عمر لیلی افزای



ی درس

آموزشی عصر

www.my-da



می داشت پدر به سوی او گوش کاین قنہ شنید، گشت خاموش



ی درس

آموزشی عصر

www.my-dar



قلمرو ادبی : درد و دوا : مراعات نظیر و تضاد / واج آرایبی :

درد / دل اسیر داشتن : کنایه از عاشق بودن و تشفیص

دوا پذیر دارد
لیلی و مجنون، نظامی گنجه‌ای

دانت که دل، اسیر دارد

درد /

دوا ناپزیر : استعاره از عشق

قلمرو فکری : پدر مجنون فهمید که مجنون دلی عاشق دارد ،

دردی دارد که درمان ناپزیر است



قلمرو زبانی

۱- جهد بر توست و بر خدا توفیق زانکه توفیق و جهد هست رفیق
سنایی تلاش، کوشش لطف الهی
فنیده به گیتی به مهر و وفا ز اهریمنی دور و دور از جفا فردوسی
مشهور و بلند آوازه

قلمرو زبانی

۱ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- جهد بر توست و بر خدا توفیق زانکه توفیق و جهد هست رفیق سنایی
- خنیده به گیتی به مهر و وفا ز اهریمنی دور و دور از جفا فردوسی

۲ سال گذشته خواندیم که در شیوه‌ی بلاغی، جای اجزای کلام در جمله، تغییر می‌کند، اما در متن آموزشی، مطابق با شیوه‌ی عادی و نوشتار معیار، نهاد در آغاز جمله و فعل در پایان آن قرار می‌گیرد.
■ اکنون اجزای بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.

گفتند به اتفاق یکسر کز کعبه گشاده گرد این در

۳ در بیت‌های زیر، نقش «م» را بررسی کنید.

- الف) دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم
- ب) پرورده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتم

قلمرو ادبی

۱ شاعران، در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می‌گیرند؛ مهم‌ترین دلیل آن را بنویسید.

۲- گفتند به اتفاق یکسر کز کعبه گشاده کرد این در
به اتفاق یکسر گفتند که این در (مشکل) از کعبه گشاده کرد

۳- الف) دریاب که مبتلای عشقم (هستم) آزاد کن از بلای

عشقم (من را)

ب) پرورده عشق شد سرشتم (سرشت من) جز عشق مباد سرنوشتم
(سرنوشت من)

قلمرو ادبی

۱- زیرا قافیه های هر بیت مستقل است و شاعر می تواند پس از چند بیت ، از قافیه های قبلی نیز استفاده کند. و در ضمن در سرودن مثنوی هیچ محدودیتی برای تعداد ابیات وجود ندارد بنابراین مناسب ترین قالب برای سرودن موضوعات بلندمثل داستان است .

۲-- چون رایب عشق (اضافه تشبیهی) آن جهانگیر شد چون مه لیلی (استعاره از پوره لیلی آسمان گیر (کنایه از آشکار شدن و مشهور شدن) برداشته دل ز کار او بفت (مصرع اول : تشفیص - کنایه از بدبفتی و قطع امید کردن - بفت و سفت : جناس)

۳- « حلقه در گوش نهادن » کنایه از توسل به خدا و اعلام فرمان برداری و بندگی است پدر مبنون در این بیت به « کعبه » تشبیه شده که برای برآوردن حاجتش متوسل به کعبه شده است . هم چنانکه داشتن حلقه برای کعبه نشان بندگی و فرمانبرداری است پدر مبنون نیز با حلقه ای که به گوش دارد در برابر خدا اظهار بندگی و فرمان برداری می کند

۲ هر یک از بیت های زیر را از نظر کاربرد آرایه های ادبی بررسی کنید.

- چون رایب عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر
- برداشته دل ز کار او، بخت درماند پدر به کار او سخت

۳ در بیت زیر، شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره گرفته است؟

- آمد سوی کعبه، سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

حاجت گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست

۲ در بیت های هفدهم و بیستم، کدام ویژگی های «مجنون» بارز است؟

۳ بر مبنای درس و با توجه به بیت های زیر، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید.

- عشق بازی، کار بیکاران بُود عاقلش با کار بیکاران چه کار؟

نعمت الله ولی

- از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

بیدل

۴ مفهوم بیت زیر را با نگرش خویشان مجنون و چاره سازی آنها مقایسه کنید.

- یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش بگذار که دل حل بکند مسئله هارا

محمدعلی بهمنی

قلمرو فکری

۱- « حاجت گه جمله جهان اوست ممراب زمین و آسمان اوست »
فائده کعبه ممل برآورده شدن حاجت تمام انسان هاست و قبله گاه (ممل توبه دل) تمام
مفلوقات است . مفهوم: خداوند تنها تکیه گاه بندگان است .

۲- وفادار بودن و خداکاری

۳- "عشق بازی ، کار بیکاران بُودا عاقلش با کار بیکاران چه کار؟"
نعمت الله ولی عاشق شدن کار انسانهای بیکار است و آدم عاقل با بیکارها کاری ندارد .
- "از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول ، رنگ این ویرانه ، ویران ریفتند .
"بیدل"

ای انسان اگر عاشق هستی به فکر آبادی و تعمیر دل نباش زیرا در روز ازل ویرانی را با دل
عشق همراه کردند ویرانی دل یکی است . عشق با ویرانی دل عین است .
پدر مبنون ابتدا درمانده می شود از فویشان و اقوام کمک می طلبد و در نهایت به سوی کعبه
می رود به امید آن که مبنون از عشق رهایی پیدا کند اما با شنیدن سفنان مبنون متوجه می شود
که مبنون عاشقی دل فسته است و هرلظه از خدا می فواهد در عشق ، قدم هایش را استوارتر
کند پس این عشق درمانی ندارد .

۴- این بیت نقطه مقابل تفکر فویشان مبنون قرار دارد آن ها برای عشق در پی راه پاره ای
عاقلانه اند . در این بیت پاره ساز و هلال مشکلات را عشق می داند اما فویشان به دنبال راه
عاقلانه هستند

۲ هر یک از بیت های زیر را از نظر کاربرد آرایه های ادبی بررسی کنید .

- چون رایت عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر
- برداشته دل ز کار او ، بخت درماند پدر به کار او سخت

۳ در بیت زیر ، شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره گرفته است؟

- آمد سوی کعبه ، سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید .

حاجت گه جمله جهان اوست ممراب زمین و آسمان اوست

۲ در بیت های هفدهم و بیستم ، کدام ویژگی های «مجنون» بارز است؟

۳ بر مبنای درس و با توجه به بیت های زیر ، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید .

- عشق بازی ، کار بیکاران بُودا عاقلش با کار بیکاران چه کار؟

نعمت الله ولی

- از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول ، رنگ این ویرانه ، ویران ریختند

بیدل

۴ مفهوم بیت زیر را با نگرش خویشان مجنون و چاره سازی آنها مقایسه کنید .

- یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش بگذار که دل حل بکند مسئله هارا

محمدعلی بهمنی

قلمرو زبانی

لُکام : نام کوه

سَری : عارف صوفی ق سوم

تعا : بلند مرتبه

قلمرو فکری

مفهوم ۴ : ترک رهبانیت ، نگویش زهد منفی و انزوا و

عزالت از فلق

تذکره الاولیا ، عطار

یکی از کوه لُکام به زیارت «سَری سَقَطی» آمد. سلام کرد و گفت: «فلان پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت.»
سَری گفت: «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»

تذکره الاولیا، عطار

